



## اخبار مجامع علمی

پدیدآورنده (ها) : خسروی، خسرو؛ افشار نادری، نادر

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، زمستان ۱۳۴۷ - شماره ۲ (ISC)

صفحات : از ۲۰۱ تا ۲۰۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94144>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- تاریخ عکاسی در ایران / یادداشت دکتر عدل برای کتاب «ایران در عصر قاجار»
- عکس و زندگی
- متون نمایشی و تأثیر ایران
- سفرنامه به منزله ی روایت؛ مروری بر کتاب هاروارد مک دونالد
- بازتاب نگاه به جنس مخالف در آثار صادق هدایت و فروغ فرخزاد
- تک نگاشت و فیلم های مردم شناسی ایران
- انسان شناسی بصری در سینمای مستند ایران، عامل شناخت یا موضوع شناخت
- سینمای مستند در ایران / گفت و گو
- نقش تشبیه در خلق فضای بوف کور
- تحلیل قصه ی «برادر عاقل و برادر دیوانه» از منظر اسطوره ی دیوسکوریک (دوقلوهای مقدس)
- فرمانروایی امام قلی خان در فارس و نقش وی در اخراج پرتغالیها
- تحلیل شخصیت های اصلی در ده داستان کوتاه صادق هدایت بر مبنای نظریه ی مزلو

## عناوین مشابه

- اخبار مجامع علمی: سمینار بین المللی تحقیقات خانواده (تهران، اسفند ۱۳۴۶)
- سفینه: اخبار علمی و فرهنگی
- اخبار دانشکده ادبیات؛ گردش علمی دانشجویان
- اخبار علمی - پژوهشی
- گزارش، خبر، کنگره ها و مجامع علمی
- گزارش، خبر، کنگره ها و مجامع علمی
- گزارش، خبر، کنگره ها و مجامع علمی
- اخبار علمی
- کنگره ها و مجامع علمی
- کنگره ها و مجامع علمی

## دومین کنگره جهانی جامعه‌شناسی روستایی

(هلند، اوت ۱۹۱۸)

دومین کنگره جهانی جامعه‌شناسی روستایی اسسال از ۰ تا ۱۰ اوت (۱۴ تا ۱۹ سرداد ماه) در هلند، در دانشگاه درین ارلو drienerlo، نزدیک شهر صنعتی انشده Enschede برگزار شد. این کنگره توسط یک کمیته بین‌المللی، که به انجمن جامعه‌شناسان اروپایی وابسته بود، اداره می‌شد. جامعه‌شناسان ۳ کشور آفریقایی، ۱۱ کشور آسیایی و ۷ کشور امریکای لاتین در این کنگره شرکت داشتند. از کانادا و کشورهای متحده امریکانیز گروه زیادی از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان روستایی حاضر بودند. همچنین استرالیا و ۳ کشور اروپایی، که ترکیه و اسرائیل نیز جزو شان محسوب می‌شدند، جامعه‌شناسان و اقتصاددانانی به کنگره فرستاده بودند. از کشورهای سوسیالیست یوگسلاوی، رومانی، لهستان، وچکسلواکی هم کسانی در کنگره شرکت داشتند و نیز O. E. C. D. و F. A. O. و یونسکو و یونیسف نیز نمایندگان داشتند. از ایران تنها یک نفر از مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در این کنگره حضور داشت. کنگره با سخنرانی وزیر امور فرهنگی و رفاه اجتماعی هلند، خانم کلومپه Kloppe، افتتاح شد. سپس پروفیسور ا. و. هوفستی Hofstee، جامعه‌شناس روستایی مشهور هلند، که ریاست کنگره را به عهده داشت، رشته سخن را در دست گرفت.

پروفیسور هوفستی نخست از جامعه‌شناسی روستایی، و بعد از تفاوت‌هایی سخن گفت که در نحوه مطالعات مسائل روستایی بین پیروان مکتب جامعه‌شناسی قدیم اروپایی، و به عبارت دیگر، کسانی که بیشتر معتقد به مکتب ما کرو سوسیولوژی ( = کلان جامعه‌شناسی) هستند، و پیروان مکتب جامعه‌شناسی جدید امریکایی یعنی میکروسوسیولوژی ( = خرد جامعه‌شناسی)، وجود دارد. هوفستی در آخر سخنان خود اشاره کرد که جامعه‌شناسان روستایی در امریکا بیشتر در امر سازگاری مطالعاتی کرده‌اند. پس از آن، کار رسمی کنگره بحث در تغییرات اجتماعی در محیط روستایی و سازمان‌های اجتماعی آن بود. سخنرانان این جلسه دو تن جامعه‌شناس امریکایی و لهستانی به نامهای لومیس و گالسکی بودند.

در جلسه بعدی جامعه‌شناسان کشورهای مختلف درباره توسعه اقتصادی و اجتماعی و رابطه انسان با زمین سخنرانی کردند، و سپس گروه‌های مخصوص تشکیل گردید و تا آخر کنگره

کاردرگروهها ادامه داشت. مهمترین نتایجی که از سخنرانیهای این گروه گرفته شد، بطور خلاصه عبارت بود از اینکه:

مطالعات جامعه شناسان روستایی نشان داده است که رشد تکنیک گاهی همگام با تغییرات جامعه نیست، و تکامل تکنیک همیشه باعث تغییر اجتماعی در روستاها نمی شود، زیرا رشد تکنیک و اقتصاد روستایی بیشتر به امور سیاسی مربوط است. بنابراین، برای حل دشواریهای جامعه کشاورزی باید بیشتر روحیه آنان را در چهارچوب حیات روستایی در نظر گرفت، زیرا روستاییان پایبند به سنن قدیم هستند و رشد تکنیک ممکنست سبب تغییراتی در نحوه رفتار و خلیقات و نفسانیات آنان نشود. بنابراین، جامعه شناسان روستایی وظیفه دارند که در کشاورزی هم بررسیهایی بکنند و در مطالعات خود با تئوری مجهز باشند و امور روستاها را اصولی و با روش مخصوصی مورد مطالعه قرار دهند. درباره عمران و تغییرات کشاورزی چنین نتیجه گرفته شد که حیات روستایی با نظامهای مختلف زندگی روستایی ارتباط نزدیک دارد. زیرا در زندگی روستایی صور مختلف اقتصاد خانگی جدید و اقتصاد جدید صنعتی وجود داشته است که هر کدام با سازمانهای مخصوصی کار کرده اند. چنانکه اقتصاد خانگی پس از تکامل جامعه از میان رفت و اقتصاد بازار و افزایش ( = آرتیزان) جای آن را گرفت و به دنبال آن در اجتماع تغییرات مهمی پیداشد و سازمان کار و سلسله مراتب ظهور کرد. سپس تغییرات آگاهانه انجام گرفت و به دنبال آن سازمان کار در خانواده های روستایی نیز تغییر کرد تا جایی که امروز کار دسته جمعی و سلسله مراتب خانوادگی و روابط خانوادگی بیشتر در خانواده های قدیمی دیده می شود و بین سازمانهای کار در خانواده های شهری و روستایی تفاوت اساسی به وجود آمده است.

درباره نحوه تغییرات جامعه بین لوئیس، جامعه شناس امریکایی، و گروهی از جامعه شناسان اروپایی مباحثه مهمی در گرفت. جامعه شناسی امریکایی، بر اساس تحقیقات خود در هند، معتقد بود که با تغییرات فرهنگی می توان بنیان جامعه را تغییر داد. به این اصل چند جامعه شناس اروپایی و آفریقایی انتقاد کردند و گفتند که فرهنگ و دانش عامل مهم و قطعی تغییرات اجتماعی نیست، و گاهی رشد فرهنگ سبب تغییرات اجتماعی نمی شود. به عقیده ایشان، در تغییرات اجتماعی مالکیت سهمی مهمتر از فرهنگ دارد. مثال از بعضی کشورهای غربی آورده شد که با وجود رشد سریع تکنیک و ورود تلویزیون و فرهنگ به روستاها هنوز سلسله مراتب در خانواده ها محفوظ مانده و سنتهای کهن حفظ شده است. و نیز مثالهایی از کشورهای شمال آفریقا آورده شد که در کشورهایی که فرهنگشان کمتر توسعه یافته بود و بزرگدگان (elite) نسبت به ممالک همسایه کمتر، تغییرات اجتماعی مهمی بوجود آمده است، اما کشوری که رشد فرهنگی آن بیشتر بوده و نخبگان آن فراوانتر، عقبتر مانده و تغییرات اجتماعی مهمی در آن کشور صورت نگرفته است.

## هشتمین کنگره انسانی‌شناسی و مردم‌شناسی

( ژاين ، سپتامبر ۱۹۶۸ )

در حدود ۲۸ سال است که هر چهار سال یکبار انسانی‌شناسان و مردم‌شناسان از نقاط مختلف دنیا دور هم جمع می‌شوند تا از نزدیک بایکدیگر به تبادل افکار بپردازند و جدیدترین تحقیقات را که هنوز به صورت کتاب یا مقاله منتشر نشده است، در معرض قضاوت و انتقاد همکاران قرار دهند و درباره خطوط اصلی و خط مشی پسندیده این علوم ، با توجه به مقتضیات متغیر زمان ، بحث کرده و تصمیم بگیرند .

هشتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی‌شناسی و مردم‌شناسی از تاریخ سوم سپتامبر تا دهم سپتامبر ۱۹۶۸ در توکیو (ژاين) تشکیل شد .

تدارکات مربوط به تشکیل این کنگره از چهار سال قبل ، یعنی از روزی که در هفتمین کنگره تشکیل شده در مسکو کشور ژاپن برای برگزاری این تماس بزرگ بین‌المللی انتخاب شد آغاز گردید و بدین منظور، کمیته‌های خاصی در توکیو و کیوتو مدت چهار سال روی نحوه تشکیل کنگره و تنظیم برنامه‌ها کار کردند و محققان کشورهای مختلف برای عرضه مطالب بکر و نو به مطالعه و تحقیق پرداختند .

چون کنگره در ژاپن تشکیل می‌شد تعداد شرکت‌کنندگان این مملکت از همه کشورهای بیشتر بود، ولی نکته قابل توجه وجود ۴۷ نفر انسانی‌شناس و مردم‌شناس در این مملکت است . نکته‌ای که از حیث ترکیب شرکت‌کنندگان جلب توجه نگارنده را کرد، این بود که بیش از ۲۰ نفر از شرکت‌کنندگان آمریکایی و اروپایی بودند که تحقیقات اصلی خود را درباره آفریقا انجام داده و شهرت و مقام فعلی خود را مدیون همان تحقیقاتند ، در حالی که از خود آفریقا فقط ۱۹ نفر از ۱۰۰ نفر کشور در کنگره شرکت داشتند .

نزدیک به ۲۰۰ نفر از محققان آمریکای شمالی و اروپایی شرکت‌کننده در کنگره متخصص انسانی‌شناسی و مردم‌شناسی آمریکای لاتین بودند . در حالی که از خود کشورهای آمریکای لاتین فقط ۲۶ نفر از کشور به کنگره آمده بودند .

چنین وضعی در مورد کشورهای خاور دور نیز صادق بود . در مورد خاورمیانه مطالعات انسان‌شناسی و مردم‌شناسی که عرضه شد انگشت شمار بود .

درهشتمین کنگره، مانند کنگره‌های قبلی، علوم مربوطه تحت دو عنوان اصلی انسان‌شناسی (anthropology) و مردم‌شناسی (ethnology) تقسیم شد و برای باستان‌شناسی (archeology) و جمعیت‌شناسی (demography) و موزه‌شناسی (museology) هر یک بخش جداگانه‌ای معین شده بود. بدین ترتیب:

الف : انسان‌شناسی :

۱. تئوری و روش شناسی
۲. انسان‌شناسی مورفولوژیک
۳. انسان‌شناسی وظایف الاعضاء
۴. دیرین‌شناسی انسانی واصل و منشاء انسان
۵. انسان‌شناسی نژادها و اقوام
۶. ژنتیک انسانی
۷. انسان‌شناسی طبی
۸. مطالعه نخستیها (primate studies)

ب : مردم‌شناسی

۱. تئوری و روش شناسی
۲. تاریخ فرهنگ
۳. سازمانهای سیاسی و اجتماعی
۴. تحولات فرهنگی و اجتماعی
۵. مطالعات اقتصادی
۶. مذهب و فرهنگ عامه
۷. هنر
۸. مطالعات روانی - فرهنگی
۹. آموزش و پرورش
۱۰. فرهنگ مادی
۱۱. آفریقا
۱۲. مطالعات درباره آنیو و نواحی قطبی
۱۳. ژاپون

پ : باستان‌شناسی

ت : جمعیت‌شناسی

ث : موزه‌شناسی

برای هریک از شاخه‌های علوم فوق‌الذکر کمیته مستقلی تشکیل شده بود که متخصصان مربوطه نتایج تحقیقات خویش را به صورت سخنرانی بیان می‌کردند و سپس به بحث و انتقاد پرداخته می‌شد.

سخنرانی نگارنده تحت عنوان «انسانشناسی و توسعه» به زبان انگلیسی در «کمیته تحولات فرهنگی و اجتماعی» ایراد شد.

نمایش فیلمهای مردشناسی به عهده کمیته فیلم کنگره بود و همه اعضای کنگره می‌توانستند در مشاهده فیلم و بحث و انتقاد آن شرکت نمایند.  
در این کنگره ۱۴۰۰ نفر از ۹۰ کشور شرکت داشتند:

برای اینکه بهتر بتوانیم درباره کنگره ژاپن و، بطور کلی، علوم انسانشناسی و مردشناسی در جهان بحث کنیم، لازم است نظری، اگرچه سطحی، به نحوه نضج و روند تحولات علوم فوق‌الذکر بیفکنیم.

در قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ میلادی با دستیابی اروپاییان به سرزمینهای جدید و شروع استعمار در سطح وسیع، علوم انسانشناسی و مردشناسی پایه گذاری شد.

مکتشفین اروپایی هنگام مراجعت از سفرهای طولانی و پرخطر خود داستانهای شگفت‌آور درباره مردم سرزمینهای تازه یافته نقل می‌کردند، مردمی که از لحاظ رنگ پوست، صورت ظاهر و آداب و رسوم با اروپاییان سفیدپوست اختلافات فاحشی داشتند. این تفاوتها و، مخصوصاً، مقاومت شدید بومیان در مقابل مهاجمان موجب شد که اروپاییان آنها را «وحشی» و «ابتدایی» بنامند. به تدریج که مأموران سیاسی و مبلغان مذهبی به میان این مردم «وحشی» و «ابتدایی» راه یافتند و نگارش سفرنامه درباره عجایب زندگی آنها معمول گشت.

در قرن نوزدهم که مسئله تکامل موجودات به طریقی علمی عرضه شد، «وحشیان و مردم ابتدایی» نماینده و بقایای مراحل اولیه تکامل معرفی شدند و «انسان اروپایی» مظهر کمال انسان متصور گردید. در این دوره بسیاری از دانشمندان اروپایی، بر اساس سفرنامه‌ها و گزارشهای موجود، و به ندرت بر پایه مشاهدات شخصی، رساله‌ها و کتابهای قطرو «جالب» درباره «انسان ابتدایی» «جامعه ابتدایی»، «مذاهب اولیه»، «سحروجادو» و، «نحوه تفکر مردم ابتدایی» و از این قبیل نوشتند.

درباره رسیدن سفیدپوستان اروپایی به آمریکا و برخورد آنها با بومیان «سرخپوست»

لوی-استروس، انسانشناس فرانسوی، در کتاب *Trites Tropique* می‌نویسد: «در حالی که سفید پوستان ادعا داشتند که بومیان سرزمین جدید حیوان و بیشعورند، بومیان فکرمی کردند که سفید پوستان خدایانند. اگر قبول کنیم که هر دو طرف در اشتباه بودند، باید اذعان نماییم که نحوه تفکر بومیان انسانیت‌بر بوده است.»

تا این زمان علوم انسانشناسی در بست در اختیار مغرب‌زمینیان بود و کشورهای مستعمره و عقب افتاده آزمایشگاه تحقیقات علوم فوق به شمار می‌رفتند. صدها کتاب و رساله درباره «مردم ابتدایی» و خصوصیات جسمانی و روانی آنها نوشته شد و از این راه عده‌ای به اخذ درجات علمی و کسب مقامات دانشگاهی نایل آمدند و شاید بتوان گفت از این طریق به پیشبرد علوم انسانی کمک مؤثری شد، ولی آنچه راه‌گزینی توان نادیده گرفت این واقعیت است که این کوششها تأثیری در بهبود زندگی «مردم ابتدایی» نداشت، حتی در پاره‌ای موارد در خدمت استعمار و توسعه حساب شده آن قرار گرفت و، بدینگونه، همگام با تحول تمایلات سیاسی و خصوصیات اجتماعی کشورهای مغرب‌زمین، شاخه‌های مختلفی از علوم انسانشناسی و مردم‌شناسی نضج گرفت. در کشور آلمان انسانشناسی جسمانی (*anthropologie physique*) و مطالعه درباره نژادها و اصالت نژاد مورد توجه قرار گرفت. در انگلستان انسانشناسی اجتماعی - اجتماعی (*social anthropology*) و تحقیق در مورد ساختمان اجتماعی و، بخصوص، سازمان سیاسی و حکومتی رواج بسیاریافت که هنوز هم ادامه دارد و انسانشناسی اقتصادی (*economic anthropology*) نیز بدان افزوده شده است. سوابق تاریخی فرانسویان و زمینه فکری آنها در فلسفه و ادبیات، از یکطرف، و غرور ملی و تصور رسالت در هدایت علم و سرنوشت انسان، از طرف دیگر، به مردم‌شناسی در فرانسه اجازه نداد که جهت خاص یا محدودی معینی پیدانماید. از اینرو، پایه‌های پیشرفت باستان‌شناسی و احیای افتخارات گذشته، انسانشناسی جسمانی توسعه یافت، ولی مطالعه «طرز تفکر انسان ابتدایی»، «نحوه تطور نهادهای اجتماعی» و «آداب و رسوم و فرهنگ عامه» فراموش نشد. عکس‌العمل شدید مردم‌شناسان فرانسوی، بخصوص لوی-استروس در ابطال سرز فکری بین انسان ابتدایی و انسان متمدن، که بدون شک کوششی است انسانی، زائیده همان فکر فلسفی و تطور رسالت قدیم فرانسوی است. در ممالک متحده وجود بومیان و تماس نزدیک تازه رسیدگان اروپایی با آنها اختلافات عمیقی را که از لحاظ رفتار، گفتار، کردار، آداب و رسوم و بالاخره نهادهای اجتماعی مخصوصاً خانواده و خویشاوندی بین صاحبخانه و مهمان ناخوانده وجود داشت در معرض دید و توجه قرارداد و پایه‌های انسانشناسی فرهنگی (*cultural anthropology*) در قاره جدید گذاشته شد.

جنگ جهانی دوم و بیداری ملل «عقب افتاده» و جنبشهای استقلال طلبانه «مردم ابتدایی» برخی از انسانشناسان و مردم‌شناسان را که محوشگفتیهای تطور موجودات و تغییر نهادهای



اجتماعی در طی تاریخ بشریت بودند، متوجه مسئله‌ای حادث‌تر کرد، یعنی مسئله تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی. مسئله تحولات صنعتی مغرب زمین به عهده جامعه شناسی قرار گرفت و آزمایشگاه علوم انسانشناسی و مردمشناسی همچنان در کشورهای عقب افتاده و دربین همان «سردم ابتدایی» باقی ماند.

در این ضمن معدودی از جوانان کشورهای تازه استقلال یافته که برای تحصیل انسانشناسی و مردمشناسی به اروپا و آمریکا رفته بودند، خواه ناخواه، تحت تعالیم خاص مغرب زمین قرار گرفتند و هنگام مراجعت به موطن خود به کار جمع آوری افسانه‌ها و اساطیر و اندازه گیری جمجمه و تعیین شکل پیشانی و گونه هموطنان خود پرداختند. اگرچه در بعضی موارد علوم اجتماعی به کشورهای عقب افتاده موجب نهضتها و بیداریهایی در مقابل استعمار سیاسی و اقتصادی غرب گردید، حفظ مفاهیم علمی غربی و انتقال بدون کم و کاست آنها استعمار جدید قرن بیستم را که استعمار علمی باشد، در این ممالک رواج داد.

علم به خاطر علم، علم به خاطر پیشبرد علم، علم به خاطر روشن ساختن زوایای تاریخ تطور جوامع، یعنی همان شعارهای علمی مغرب زمین در کشورهای جهان سوم رخنه کرد، بدون اینکه احتیاجات ملی و مقتضیات اجتماعی مورد توجه باشد.

نمونه رسوخ این طرز تفکر اینکه، تنها مردمشناسی شرکت کننده از یکی از کشورهای کوچک قاره کوچک آفریقا در این کنگره - کشوری که چند میلیون مردم آن با سختترین مسائل اجتماعی و اقتصادی دست به گریبانند - سخنرانی خود را درباره « رفتار اجتماعی سیمونهای انسان - ریخت » به کنگره عرضه نمود.

درواقع، بیش از ۷۰٪ تحقیقاتی که توسط معدود انسانشناسان و مردمشناسان کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین در کنگره مطرح گردید درباره نژادها، رنگ پوست، اندازه‌های اندام اقوام مختلف و از این قبیل بود.

اگر نظری به عهده شرکت کننده از قاره‌ها و مناطق مختلف در این کنگره بیفکنیم، موضوع روشنتر خواهد شد:

شرکت کننده از ژاپون	»	»	۵۴۷
» ممالک متحده	»	»	۲۵۵
» کانادا	»	»	۲۱
» اتحاد جماهیر شوروی	»	»	۹۰
» کشورهای اروپایی	»	»	۳۶۲
» استرالیا	»	»	۱۲
» مجموعاً از کشورهای صنعتی			۱۲۸۷

درمقابل فقط ۱۱۳ شرکت کننده از کشورهای درحال توسعه و صنعتی شدن و ممالک کم‌رشد درکنگره شرکت داشتند و اکثر تحقیقات آنها که درکنگره مطرح گردید درباره‌مسئله‌ای بود که هرگز بااحتیاجات ملی آنها هماهنگی نداشت.

اگر کشورهای آمریکایی و اروپایی می‌توانند میلیونها دلار صرف تحقیقات انسانشناسی درباره نژادها، خصوصیات جسمانی و یا رفتار اجتماعی میمونهای انسانریخت بکنند، حرفی نیست. اگر این ممالک مایلند درباره‌تطورخانواده، صورت‌منشاء ازدواج، یا اشکال ابتدایی‌مذهب تحقیق نمایند، بحثی نیست و بالاخره اگر برخی از کشورهای جهان سوم چشم بسته دراین زمینه از مغرب زمین تبعیت می‌نمایند، ما را بدان نیز کاری نیست. ولی آنچه مسلم است اینست که ما نسبت به ملت خودمان، که درگیر تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی است، نمی‌توانیم بی‌طرف بمانیم. امروز در بعضی جوامع، که دارای تمدنهای کهن هستند، علوم اجتماعی و مخصوصاً، انسانشناسی و مردمشناسی در خدمت توسعه و عمران قرار گرفته است. در این میان باید از کشورهای هندوستان به‌عنوان نمونه یاد کرد، ولی سرزمین هندوستان به‌حدی وسیع است و جمعیت آن به قدری زیاد و، بالاخره، فرهنگهای آن به اندازه‌ای متنوع که بدین زودبها نمی‌توان امیدوار بود که معدودی مردمشناس و جامعه‌شناس دانشگاههای این مملکت بتوانند اثری عمیق بر تغییر و تحول داشته باشند.

در کشور ما ایران پیدایش علوم اجتماعی هنوز جدید به‌شمار می‌رود و با اتخاذ سیاستی صحیح می‌توان جهت مطلوب به علوم اجتماعی و تحقیقات مربوطه بدانها داد. و منظور ما بیشتر علوم انسانشناسی و مردمشناسی است که از آنها باید بیشتر برای طرح مسائل اساسی اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد و نه به پیروی از الگوی غربی به تحقیقات ترفنی غیر ضروری پرداخت.

**نادر افشار نادری**